

پان ایرانیست‌ها

• ارسطو خداپرست
کارشناس ارشد تاریخ ایران
اسلامی از دانشگاه تبریز

کتاب «حزب پان ایرانیست به روایت اسناد» با بهره‌گیری از اسناد، به بررسی یکی از احزاب سیاسی ایران در دوران پهلوی دوم، یعنی حزب پان ایرانیست پرداخته و تشکیلات و فعالیت‌های این حزب را به خواننده شناسانده است. کتاب شامل دو بخش است. بخش اول، که همان مدخل پژوهشی است به سه فصل تقسیم می‌شود. فصل اول تحت عنوان احزاب سیاسی به سابقه‌ی احزاب در ایران و پیشینه‌ی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی در ایران می‌پردازد. فصل دوم به بررسی حزب پان ایرانیست اختصاص دارد و در این راستا به چگونگی شکل‌گیری این حزب، خطمشی و اصول فکری، رهبران و فعالان برجسته‌ی حزب و نشریات و تبلیغات حزبی اشاره می‌کند. فصل سوم، فعالیت‌های سیاسی حزب و عملکرد آن را در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ شمسی بازگو می‌نماید. گاه‌شمار یا تقویت فعالیت‌های حزب پان ایرانیست نیز در پایان بخش اول آمده است. بخش دوم این کتاب شامل اسناد و تصاویر مربوط به حزب و پیوست‌هاست. مطالب کتاب با فهرست منابع و مأخذ و فهرست اعلام به پایان می‌رسد.

پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ ش و سقوط رضاشاه و ایجاد فضای نسبتاً باز سیاسی، هم‌زمان با شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران، احزابی پدید آمدند که با مد نظر قرار دادن جریان‌های مختلف سیاسی از جمله ناسیونالیسم و با تأکید بر عنصر ایرانی به فعالیت می‌پرداختند. حزب «پان ایرانیست» با تکیه بر ناسیونالیسم نژادگرا کوشید در وقایع سیاسی کشور ایفای نقش کند. کسانی که مؤسس این حزب بودند، در آغاز، مخالفت خود را با حضور نیروهای نظامی بیگانه در ایران دهه‌ی ۱۳۲۰ نشان دادند. آنان با جمع شدن گرد یکدیگر، تشکیلاتی به‌وجود آوردند که در سال‌های بعد تکامل یافت و از آن، هسته‌ی دانش‌آموزی حزب طراحی شد که در قبال وقایع مختلف کشور موضع می‌گرفت. این تشکل در همان مقطع به پی‌ریزی اصول اعتقادی حزب خود اقدام کرد. مهم‌ترین مبانی اعتقادی حزب، اهمیت دادن به آب و خاک خود و برتر شمردن نژاد ایرانی بود. پیدایش چنین تفکرانی را می‌توان واکنشی در مقابل حضور نیروهای نظامی بیگانه و تبعات ناشی از ادامه‌ی حضور آنان در ایران پس از سقوط رضاشاه دانست.

کتاب حاضر با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به بررسی حزب پان ایرانیست پرداخته و برای جبران کمبود منابع اسنادی، از اسناد مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران و سازمان اسناد ملی ایران نیز بهره گرفته است. مؤلف کتاب، پرداختن به نحوه‌ی عملکرد سیاسی حزب و نشان دادن جایگاه آن را در میان



- حزب پان ایرانیست به روایت اسناد
- شهلا بختیاری
- تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۴۰۸ص



کتاب حاضر با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به بررسی حزب پان ایرانیست پرداخته و برای جبران کمبود منابع، از اسناد مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران و سازمان اسناد ملی ایران نیز بهره گرفته است

پان ایرانیست‌ها

احزاب سیاسی، از اهداف پژوهش خود برمی‌شمرد.

در فصل اول این کتاب که نخستین قسمت مدخل پژوهشی محسوب می‌شود، نویسنده کوشیده است تعریفی جامع از حزب ارائه کند و از این راه به این پرسش پاسخ دهد که «پان ایرانیست» در چه قالبی از تعاریف ارائه شده از احزاب می‌گنجد. هم‌چنین سعی نویسنده بر آن است تا خاستگاه فکری حزب پان ایرانیست را برای نشان دادن ایدئولوژی این حزب معرفی کند. نویسنده اذعان می‌دارد که احزاب، نهادهای سیاسی غیرحکومتی‌اند که در عین نهاد و سیاسی بودن، ارگان دولتی به حساب نمی‌آیند. هم‌چنین احزاب می‌توانند به صورت منتقد حکومت عمل کنند تا سبب تعدیل سیاست‌های حکومتی رژیم یا عملکرد آن شوند. (ص ۱۸). پس در تعریفی می‌توان عنوان حزب را به گروهی از افراد اطلاق کرد که درباره‌ی برخی مسائل سیاسی اتفاق نظر دارند و برای رسیدن به هدف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند بنابراین حزب سیاسی را گروهی سازمان‌یافته در درون نظام سیاسی تلقی کرده‌اند که با هدف کسب و به‌کارگیری قدرت سیاسی تشکیل می‌شود (ص ۱۹). در این راستا، اغلب احزاب سیاسی در پی آنند که کرسی‌های انتخابات را تصاحب کنند و از این راه مشروع، بر حکومت مسلط شوند (ص ۱۹). از دیدگاه پان ایرانیست‌ها، فعالیت حزبی «مجموعه کوشش‌های تشکیلاتی و سازمانی برای ایجاد جریان توسعه و کسب قدرت کافی برای اِعمال کامل‌ترین حزب» است. پان ایرانیست‌ها نیز برای کسب قدرت به صورت سازمان‌یافته کوشش می‌کردند. مطابق نظر آنان، رهبری حزب وظیفه‌ی تعیین موقعیت‌ها را برعهده داشت. نویسنده اعتقاد دارد که در تفکر پان ایرانیسم، حزب با رهبری رابطه‌ی بسیار قوی داشت. در این تفکر، رهبر حزب می‌توانست تنها نماینده‌ی دیدگاه‌های حزب به‌شمار آید (ص ۲۰). نویسنده سپس به سابقه و تاریخچه‌ی احزاب در ایران اشاره و خاطر نشان می‌کند که در ایران، حزب به شکل مرسوم کنونی، پدیده‌ی جدید است که قدمت آن به بیش از صد سال نمی‌رسد؛ به طوری که برخی از محققان عقیده دارند که تحزب به مفهوم امروزی ره‌آورد فلسفه‌ی سیاسی نوین و نظام‌های سیاسی غرب است. گروهی نیز اعتقاد دارند حزب همراه دیگر اصول مشروطه، همانند دموکراسی، آزادی، مساوات قانون و مجلس و تفکیک قوا بدون توجه به شرایط پیدایش و امکان کارآمدی آن، وارد فرهنگ سیاسی

جامعه‌ی ایران شد؛ بنابراین پیش از آن که مشروطه کاملاً منسجم و مجلس بر اوضاع مسلط شود، دست‌خوش رقابت‌های حزبی شد. در نتیجه احزاب گوناگون با دیدگاه‌های مختلفی را پایه‌گذاری کرد (ص ۲۱). پس از سرنگونی سلطنت قاجار، که به روی کار آمدن رضاشاه و تأسیس سلسله پهلوی انجامید، زمینه‌ی لازم برای امکان ابراز افکار و نظریه‌های سیاسی مهیا شد. با وجود این، در دوره‌ی رضاشاه، سلطه و دیکتاتوری خودکامه‌ی او اجازه ایجاد حزب و فعالیت آزادسازی را نداد تا این‌که نیروهای متفکین در جریان جنگ جهانی دوم و در شهریور ماه ۱۳۲۰ ش ایران را اشغال کردند و رضاشاه برکنار و تبعید شد پسرش محمدرضا به جای او به سلطنت رسید. اوضاع سیاسی جدید ایران، با کاهش قدرت استعمار انگلستان در توازن قدرت جهانی و مطرح شدن تدریجی آمریکا در صحنه‌ی سیاسی ایران مصادف بود. این عوامل، به اضافه‌ی کم‌تجربگی شاه جوان باعث شد جوی مساعد برای رشد و نمو احزاب ایجاد شود (ص ۲۲).

نظری به تحولات تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد وقایع دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش تأثیر عمیقی در نحوه‌ی شکل‌گیری احزاب داشته است. سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ دورانی پراشتهاب در تحولات سیاسی کشور بود که زمینه‌ساز ظهور جریان‌های مختلف فکری و سیاسی شد. در این مقطع زمانی، تحركات و اقدامات حزب توده، اذهان متفکران جامعه را با مسائل حزبی آشنا کرد؛ اما پس از واقعه‌ی تیراندازی به شاه در دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و از میان رفتن اعتبار حزب توده، جامعه‌ی آن روز ایران به دنبال سازمان یا سازمان‌های سیاسی دیگری بود تا بتواند فعالیت سیاسی خود را در آن دنبال کند. یکی از احزابی که در این دوره ایجاد شد و توانست در سال‌های بعد، حتی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فعالیتی از خود نشان دهد حزب پان ایرانیست بود. مؤسسات این حزب معتقد بودند که مکتب پان ایرانیسم به وسیله‌ی گروهی از جوانان میهن‌پرست و ملی‌گرایان برای مبارزه با نفوذ بیگانگان و به‌خصوص کمونیست‌ها به‌وجود آمده است (ص ۲۳).

از آن‌جایی که مکتب پان ایرانیسم و حزب پان ایرانیست با «ناسیونالیسم» و ملی‌گرایی رابطه‌ی تنگاتنگی دارد، نویسنده در ادامه به ناسیونالیسم و پیشینه‌ی آن در ایران پرداخته و ناسیونالیسم را طرز تفکری دانسته که به وسیله‌ی آن هر فردی حد اعلا‌ی وفاداری را

در دوره‌ی رضاشاه، سلطه و دیکتاتوری

خودکامه‌ی او اجازه ایجاد حزب و فعالیت

آزادسازی را نداد تا این‌که نیروهای متفقین در

جریان جنگ جهانی دوم و در شهریور ماه ۱۳۲۰ ش

ایران را اشغال کردند و رضاشاه برکنار و تبعید شد

پان ایرانیست‌ها

کنند. تغذیه‌کنندگان فکری حرکت مزبور در مراحل مختلف فعالیت آن، افرادی هم‌چون محسن پزشک پور، داریوش فروهر، محمد رضا عاملی تهرانی و داود منشی‌زاده بودند. البته تمامی افراد فوق با عنوان پان‌ایرانیست گرد هم باقی نماندند و هر کدام از آن‌ها، جهت‌دهنده و رهبر حرکت‌های آتی شدند که عناوینی چون حزب «سومکان»، حزب «ملت ایران» و... داشتند. اما عنصر اصلی در همه‌ی آن‌ها، تکیه بر ایران و نژاد ایرانی بود (ص ۳۴). اندکی بعد در ۱۵ شهریور ۱۳۲۵ ش علی‌رضا رئیس کشته شد. بدین مناسبت، محسن پزشک پور در مقام یکی از بنیانگذاران این انجمن، متنی را تهیه کرد که بعدها نزد اعضای حزب پان‌ایرانیست به «فرمان رئیس» مشهور شد. در واقع، آن متن نوعی سوگندنامه برای اعضای حزب بود. از آن سال، روز ۱۵ شهریور روز بنیانگذاری حزب پان‌ایرانیست نامیده شد و پس از آن به صورت مداوم، در سالگرد کشته شدن علیرضا رئیس، روزنامه‌ها و نشریات وابسته به حزب، با نوشتن مطالبی یاد او و هم‌چنین سالگرد تأسیس حزب پان‌ایرانیست را گرامی می‌داشتند (صص ۲۱۷ و ۲۱۸). اما فعالیت تشکیلاتی و منسجم این حزب از ۲۶ شهریور ۱۳۲۶ آغاز شد. در پاییز همان سال، محسن پزشک پور کتاب «ما چه می‌خواهیم؟» را نوشت که در واقع جزوه‌ی کوچکی بود و در آن، آرمان‌ها و اهداف جنبش بیان شده بود. پان‌ایرانیست‌ها آن نوشته را چون «مانیفست» نهضت ضداستعماری و وحدت‌خواه ملت ایران می‌دانستند (ص ۳۵). در سال ۱۳۲۹ نوشته‌ی دیگری به نام «بنیاد مکتب پان‌ایرانیسم» توسط اعضای حزب تنظیم و منتشر شد که جهان‌بینی و دیدگاه‌های نهضت را ارائه می‌کرد. پان‌ایرانیست‌ها خود اعتقاد دارند که از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۲۹ در قالب «سازمان»، از سال ۱۳۲۹ که «بنیاد مکتب پان‌ایرانیسم» منتشر شد تا بهمن ۱۳۳۰ در قالب «مکتب» و پس از آن در قالب «حزب» شکل گرفته‌اند (ص ۳۶). محل اصلی حزب در تهران قرار داشت. با این حال، حزب در برخی شهرهای دیگر نیز دارای شعبه بود که گزارش فعالیت آنان به مرکز می‌رسید. شایان ذکر است به علت عقیده‌ای که پان‌ایرانیست‌ها به تمایز حزب خود از دیگر احزاب داشتند، حزب دارای علائم و نشان‌های مختص خود بود که نویسنده به آن‌ها نیز اشاره نموده است. از جمله‌ی این نشان‌ها می‌توان پرچم، درفش گارد و علامت مخصوص حزب پان‌ایرانیست را نام برد. هم‌چنین حزب دارای شعارهای مخصوصی بود. شعارهای

به زادگان بومی خویش احساس می‌کند. از طرفی ناسیونالیسم که به وطن‌پرستی و ملیت‌گرایی نظر دارد، مهم‌ترین اصل خود را توجه به حاکمیت ملی قرار داده است که اساس اقتدار خود را برخاسته از ملت می‌داند (ص ۲۵). آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های مدرن ناسیونالیستی به اواسط سده‌ی نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. در این زمان، اعزام محصلان ایرانی به اروپا و ارتباط تجار ایرانی با اروپا باعث سرعت گرفتن این آشنایی شد و بیدایش نخستین نظریه‌پردازان ناسیونالیسم در ایران، یعنی آخوندزاده، آقاخان کرمانی و طالبوف مربوط به همین دوره است. وقایع مشروطه و حوادث پس از آن مانند جنگ جهانی اول و اشغال ایران، موجی دیگر از ناسیونالیسم در اندیشه‌ی ایرانیان برانگیخت که سبب شد آنان خواهان پایان دادن به اغتشاشات داخلی و بیرون راندن بیگانگان از سرزمین خود شوند (ص ۲۷). روی کارآمدن حکومت پهلوی، زمینه‌ی ترویج ناسیونالیسم باستان‌گرا و نژادپرست و حتی مخالف دین را مهیا نمود و در برخی احزاب نیز تأثیر گذاشت. دوران حکومت رضاشاه، دوران اوج فعالیت حزب نازی در ایران بود که بسیاری از دانش‌آموختگان ایران در آلمان و جوانان ایرانی مجذب آن شدند. برخی از این افراد هم‌چون داود منشی‌زاده در آلمان به حزب نازی پیوستند. در ایران نیز طیفی به وجود آمد که مبلغ ناسیونالیسم باستان‌گرا بود. از این زمان به بعد، کم‌کم احزابی به منحصه‌ی ظهور رسیدند که دارای اندیشه‌های ناسیونالیستی از نوع باستان‌گرا و نژادگرا بودند. یکی از این احزاب، حزب پان‌ایرانیست بود که با تأکید بر ملیت و نژاد ایرانی به ناسیونالیسم نژادگرا اعتقاد داشت (صص ۱۲۸ و ۲۹). در ناسیونالیسم نژادگرای ایرانی، ایرانی بودن و انتساب به آن اساسی‌ترین اصل محسوب می‌شد. در این تفکر، که از اصول فکری نازیسم تأثیرپذیر بود، میانی اعتقادی بر ایرانی بودن ایرانیان قرار داشت و انتخاب نام «پان‌ایرانیست» از این رو بود که همه‌ی افرادی که در ویژگی ایرانی بودن مشترک بودند، حول محور آن جمع شوند (ص ۲۹).

گروهی از جوانان دبیرستانی که هسته‌ی اولیه‌ی پان‌ایرانیست‌ها را تشکیل می‌دادند در شهریورماه ۱۳۲۰ ش و هم‌زمان با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین با تشکیل باشگاه «ایران دوستی» به تلاش‌های خود شکل دادند (ص ۳۳). آنان در آغاز کار توانستند افرادی مانند فریدون تقی‌زاده، بیژن فروهر و علی‌رضا رئیس را به طرف خود جلب



(ص ۴۴). اعضای حزب در پایان نوشته‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که منتشر می‌کردند معمولاً عبارت «پاینده ایران» را قید می‌نمودند. حزب پان ایرانیست هم‌چنین به انتشار نشریاتی اقدام کرد تا از طریق آن، عقیده، اهداف و برنامه‌های حزبی را بازگو کند. سازمان جوانان پان ایرانیست، روزنامه‌ی «جوانان پان ایرانیست» را انتشار می‌داد. البته نشریات «ساسانی»، «ندای پان ایرانیسم»، «جوانان پان ایرانیسم» و «فردوسی» در سال‌های قبل از ۱۳۳۳ منتشر می‌شدند (صص ۵۱ و ۵۲). یکی دیگر از روزنامه‌های رسمی حزب، روزنامه‌ی «خاک و خون» بود که با سمت و سوی سیاسی توسط محسن پزشکی‌پور منتشر می‌شد. این روزنامه، ناشر افکار ناسیونالیستی و مبلغ نظریات حزب به‌شمار می‌رفت (ص ۵۲). انتشار روزنامه‌ی خاک و خون از مهرماه ۱۳۴۴ ش آغاز شد که در دومین سال انتشار آن، جشنی از طرف حزب برگزار شد (ص ۱۷۴). انتشار خاک و خون تا فروردین ۱۳۴۹ ادامه یافت و پس از وقفه‌ای کوتاه، دوباره اجازه انتشار یافت. در سال ۱۳۴۹ به سبب فعالیت‌های حزب در مخالف با جدایی بحرن از ایران، بیشتر امتیازات حزب از جمله اجازه‌ی انتشار نشریه از آن گرفته و خاک و خون نیز توقیف شد. این امر به قدری برای حزب، غیرقابل تحمل بود که پزشکی‌پور در سخنرانی‌های خود بدان اعتراض کرد (صص ۲۱۳-۲۱۵). در سال ۱۳۵۲ دوره‌ی دوم خاک و خون چاپ می‌شده و محلی برای اعتراض به دولت وقت بوده است (ص ۲۲۰). چاپ «خاک و خون» تا زمان الحاق حزب پان ایرانیست به حزب فراگیر «رستاخیز» ادامه داشت. برخی از افرادی که به دلایل مختلف از حزب پان ایرانیست جدا شدند، به تشکیل حزبی جداگانه اقدام نمودند و ادعا می‌کردند که حزب آنان بر بنیاد پان ایرانیسم استوار است. بنابراین حزب پان ایرانیست نیز همانند بیشتر احزاب دچار انشعابات درون حزبی شد به طوری که با ورود داود منشی‌زاده به صحنه‌ی سیاست و تشکیل حزب «سومکا» (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران)، عده‌ای از پان ایرانیست‌ها به رهبری امیر شاپور زندتیا به حزب سومکا پیوستند (ص ۵۵). از طرفی داریوش فروهر در سال ۱۳۳۱ ش با انشعاب از حزب پان ایرانیست، حزب «ملت ایران» را بر بنیاد پان ایرانیسم تأسیس کرد (ص ۵۱). پس از انشعاب حزب ملت ایران از پان ایرانیست، برخی از اعضای پان ایرانیست به حزب جدیدالتأسیس پیوستند. بازتاب این امر، صدور اعلامیه و اخراج این اعضا از حزب پان ایرانیست بود. در مقابل، حزب ملت ایران اعلامیه‌ای صادر می‌کرد و افراد مذکور را در حزب جدید می‌پذیرفت (ص ۱۰۹). دکتر فضل‌الله صدر نیز به علت دادن رأی مثبت به جدایی بحرن از ایران در مجلس دوره‌ی ۲۲ در سال ۱۳۴۹، از حزب پان ایرانیست اخراج شد و در همان سال، حزب «ایرانیان» را تأسیس کرد. جدایی فضل‌الله صدر از حزب پان ایرانیست، آخرین انشعاب در این حزب بود و بدین ترتیب، عده‌ی دیگری از اعضای حزب پان ایرانیست، به حزب تازه تأسیس «ایرانیان» پیوستند (ص ۵۸). این انشعاب‌یون پس از جدایی از حزب پان ایرانیست، نشریاتی را نیز انتشار دادند به طوری که روزنامه‌ی «آرمان ملت» ارگان حزب ملت ایران توسط داریوش فروهر و روزنامه‌ی «ایرانیان» ارگان حزب ایرانیان توسط فضل‌الله صدر منتشر می‌شدند (صص ۵۳ و ۵۴). بررسی فعالیت‌های حزب پان ایرانیست بالاخص فعالیت‌های

حزب در حوادث و وقایع مختلف، نشان‌دهنده‌ی نوع موضع‌گیری حزب بود. در روزهای نخست شکل‌گیری باشگاه «ایران دوستی» و پس از آن، شعارها مخالفت با حضور بیگانگان در ایران را نشان می‌داد. شعارهایی از قبیل «مرگ بر امپریالیسم روس، انگلیس، امریکا» (ص ۱۰۷) و «مرده باد امپریالیسم روس، انگلیس، امریکا» (ص ۱۱۲) در آن روزها بسیار مطرح بود. بیشترین موضع‌گیری حزب در مقابله با حزب توده بود که هم می‌توانست به‌عنوان نماینده‌ی بیگانگان معرفی شود و هم سازگار نبودن مرام حزب توده را با عقیده‌ی ناسیونالیسم نژادگرا نشان دهد. (صص ۱۱۲ و ۱۱۳). در سال‌های همگامی حزب پان ایرانیست با نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، شعارهای حزب پان ایرانیست در حمایت از دولت دکتر مصدق داده می‌شد (ص ۱۱۳). با آغاز دهه‌ی ۱۳۴۰ ش و در پی اقدامات جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر که مدافع سیاست «پان عربیسم» بود، پان ایرانیست‌ها این بار نه از جانب حزب توده بلکه از سوی اعراب، خود را در خطر می‌دیدند. پان ایرانیست‌ها در این زمان، کوشش گسترده‌ای برای مقابله با اقدامات جمال عبدالناصر آغاز کرده بودند (ص ۱۶۷) و شعارهایی علیه جمال عبدالناصر توسط محسن پزشکی‌پور و یارانش در این دوران در حزب پان ایرانیست تبلیغ می‌شد (ص ۱۶۲). البته پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تفسیرهایی در حزب به عمل آمد که نظام حکومتی را با عقاید حزب هم‌سو و توجیه می‌کرد. از این رو، شعارهایی در جهت حمایت از رژیم پهلوی مطرح شد (ص ۲۱۶).

نویسنده در ادامه به معرفی رهبران و فعالان برجسته‌ی حزب پان ایرانیست پرداخته و در این میان، به زندگی و کارنامه‌ی افرادی چون محسن پزشکی‌پور، محمدرضا عاملی تهرانی، فضل‌الله صدر و داریوش فروهر به‌طور اجمالی اشاره کرده است. پان ایرانیست‌ها قبل از عنوان کردن نام رهبران حزب، لفظ «سرور» را به کار می‌بردند



**حزب پان ایرانیست نیز همانند بیشتر احزاب
دچار انشعابات درون حزبی شد. برخی
از افرادی که به دلایل مختلف از حزب پان
ایرانیست جدا شدند، به تشکیل حزبی جداگانه
اقدام نمودند و ادعا می‌کردند که حزب آنان بر
بنیاد پان ایرانیسم استوار است**

یان ایرانیست‌ها

از سقوط دولت مصدق و با استوار شدن پایه‌های قدرت رژیم پهلوی، رژیم در برخورد با احزاب سیاسی از سویی و تفسیر یگانگی آرمان‌های نظام حکومتی از آرمان‌های حزب پان ایرانیست از سوی دیگر، در دهه‌ی ۱۳۴۰ ش زمینه‌های هم‌سو شدن عملکرد حزب با برنامه‌های رژیم را فراهم کرد. برای نیل به این هدف، برنامه‌هایی از قبیل سیاست مستقل ملی و مبارزه با بردگی و استعمار از طرف رژیم تبلیغ می‌شد (صص ۱۷۷ و ۱۷۸). حزب پان ایرانیست نیز به این سیاست رژیم روی خوش نشان داد به طوری که در سخنرانی‌های حزبی از ششم بهمن، یعنی سال‌روز تصویب لوایح شش‌گانه و انقلاب سفید به صورت قیام ملی یاد می‌شد و از نقش شاه و «سیاست مستقل ملی» او تجلیل به عمل می‌آمد (صص ۱۸۸ و ۱۸۹ و نیز صص ۲۱۰). هم‌چنین از سوی حزب به برنامه‌های رژیم شاه در جریان اصلاحات ارضی و «مبارزه با فئودال‌های ارضی، اداری و شهری در سال ۱۳۴۱» افتخار می‌شد (صص ۲۲۰). حزب پان ایرانیست تا پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌گاه با اصول سلطنت و مبانی نظامی حکومتی پهلوی مخالفت نکرد. مخالفت‌های این حزب، بیشتر متوجه نخست‌وزیران وقت و برنامه‌های دولت آنان بود. حزب بارها اعلام نمود که از اوامر شاه اطاعت می‌کند از این رو اعضای حزب با وجود دلگیر بودن از دولت امیرعباس هویدا، که آن را دولت حزبی می‌دانستند، در انتخابات مجلس شرکت کردند (صص ۲۳۳). در این دوران در مقاطع مختلف انتخاباتی، به‌ویژه انتخابات مجلس شورای ملی، حزب پان ایرانیست ضمن مخالفت با حزب حاکم یعنی حزب «ایران نوین»، شرکت خود را در انتخابات اعلام کرد (صص ۲۳۸). هم‌چنین حزب پان ایرانیست با برخی از برنامه‌هایی که از طرف دولت حزبی هویدا اعلام می‌شد، مانند برنامه‌ی تحصیل رایگان مخالفت می‌کرد (صص ۲۳۲). در مسأله جدا شدن بحرین از ایران نیز حزب پان ایرانیست مخالفت شدید خود را با این جدایی اعلام کرد؛ به طوری که محسن پزشکی‌پور بارها در مجلس، مخالفت خود و حزب خود را با جدایی بحرین از ایران گوشزد نمود. او در این ماجرا خود را تنها می‌دانست و معتقد بود به تنهایی نمی‌تواند کاری انجام دهد (صص ۱۹۴). او درصدد بود با اعضای حزب ملت ایران از جمله داریوش فروهر که سابقه‌ی همکاری با حزب پان ایرانیست را داشت، رابطه برقرار کند تا با هم اقدامات هماهنگی را در مورد مسأله بحرین انجام دهند (صص ۱۹۶-۱۹۸). اما به رغم رأی مخالف

سیاسی حزب، توجه بیشتر به اسناد مربوط به این حزب در طول سه دهه یعنی دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ ش را می‌طلبید. اگر چه اکثر اسناد موجود درباره‌ی گزارش‌های شهربانی وقت از فعالیت‌ها، سخنرانی‌ها و جلسات این حزب است، اما از مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان تا حدودی به مواضع و دیدگاه‌های این حزب در مورد مسائل جاری کشور پی برد. به‌عنوان نمونه، اختلافات شدید حزب پان ایرانیست با حزب توده در لابلای اسناد، قابل مشاهده است به طوری که بین اعضای هوادار این دو حزب حتی در دبیرستان‌ها درگیری‌های لفظی و فیزیکی رخ می‌داد (صص ۱۲۹).

اسناد نشان می‌دهد در اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰ و با اعلام نخست‌وزیری دکتر مصدق در اردیبهشت سال ۱۳۳۰، اعضای حزب پان ایرانیست، اقداماتی به منظور حمایت از دولت مصدق انجام می‌دادند و اعلامیه‌هایی در این باره صادر می‌کردند (صص ۱۱۳ و ۱۱۸). اما پس





هنگام اعلام موجودیت حزب «رستاخیز ملت ایران» توسط شاه به‌عنوان حزب واحد تمام احزاب، انحلال خود را اعلام داشتند و در یک حزب واحد جمع شدند. طی چهار سالی که حزب رستاخیز به صورت حزب رسمی مطرح بود، پان ایرانیست نیز جزوی از آن به‌شمار می‌رفت

پان ایرانیست‌ها

پان ایرانیست‌ها در مجلس به جدایی بحرین از ایران، این مسأله به تصویب رسید و حمایت شاه از حزب پان ایرانیست قطع شد (ص ۷۲). پس از این جریان، موقعیت حزب تضعیف شد و حزب، دیگر آزادی عمل لازم را از سوی رژیم شاه نداشت. اسناد نشان می‌دهد در این زمان، از هرگونه اجتماع و تظاهرات پان ایرانیست‌ها به دستور شهربانی جلوگیری می‌شد (صص ۲۰۱-۲۰۵). در این برهه‌ی زمانی، تنها حزب انشعابی «ایرانیان» اندک فعالیتی داشت (صص ۲۰۳ و ۲۰۴) و فعالیت حزب پان ایرانیست به رکود کشیده شده بود (ص ۲۰۳).

هنگام اعلام موجودیت حزب «رستاخیز ملت ایران» توسط شاه به‌عنوان حزب واحد در روز ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ تمام احزاب، انحلال خود را اعلام داشتند و در یک حزب واحد جمع شدند. طی چهار سالی که حزب رستاخیز به صورت حزب رسمی مطرح بود، پان ایرانیست نیز جزوی از آن به‌شمار می‌رفت. پزشک‌پور نیز از اعضای حزب خود خواست تمام کوشش خود را برای پیوستن به حزب رستاخیز و کمک به اهداف شاه انجام دهند (ص ۷۴). با این حال، اسناد موجود نشان می‌دهد در میان گروهی، این ادعا وجود داشت که علی‌رغم الحاق حزب پان ایرانیست به حزب رستاخیز، پزشک‌پور همچنان از همکاران و اعضای سابق کمک می‌گیرد (ص ۲۴۲). اما حزب فرمایشی رستاخیز عمر چندانی نداشت و هم‌زمان با ضعف و فروپاشی آن، اندک اندک زمره‌های جدایی احزاب نیز به گوش رسید، به طوری که پزشک‌پور در جلسه‌ی ۲۸ خرداد ۱۳۵۷ مجلس شورای ملی اعلام کرد که پس از این، با عنوان و زیر پرچم حزب پان ایرانیست فعالیت خواهد کرد (ص ۷۴). بدین ترتیب، شعبات حزب پان ایرانیست بار دیگر در نقاط مختلف کشور فعال شدند (ص ۲۴۷). هم‌چنین از رؤسای کمیته‌های مناطق خواسته شد تا از سمت خود در حزب رستاخیز استعفا کنند و ضمن انعکاس اخبار آن در جراید، موجودیت حزب پان ایرانیست را در منطقه اعلام نمایند (ص ۷۵). این اقدام پزشک‌پور، عکس‌العمل‌هایی را در مجلس برانگیخت و باعث مشاجراتی میان طرفداران و مخالفان این عمل شد (صص ۲۴۳ و ۲۴۴).

با اوج گرفتن مبارزات ملت مسلمان ایران و آغاز شمارش معکوس برای سقوط رژیم شاه در سال ۱۳۵۷ به علت تنفیری که مردم از برخی کارگردانان حزب رستاخیز در مجلس و دولت پیدا کرده بودند، مخالفان گذشته‌ی پزشک‌پور در صف طرفداران وی قرار گرفتند (ص ۷۶). با

این حال، پان ایرانیست‌ها به ضرورت حفظ پایه‌های رژیم پهلوی معتقد بودند و دولت‌ها و هیأت وزیران را مسئول و عامل نارضایتی‌ها می‌دانستند. پزشک‌پور پس از آن که احیای حزب پان ایرانیست را در مجلس اعلام کرد، در کنار چند تن دیگر از نمایندگان به استیضاح دولت وقت یعنی دولت دکتر جمشید آموزگار اقدام کرد (صص ۷۸ و ۷۹). شرکت او در استیضاح دولت آموزگار سبب شد تا ساواک، حرکات پزشک‌پور و حزب پان ایرانیست را تحت کنترل قرار دهد (ص ۲۳۹). با این حال، در دولت جعفر شریف امامی که بعد از آموزگار بر سر کار آمد، دکتر عاملی تهرانی از اعضای برجسته‌ی حزب پان ایرانیست، وزیر اطلاعات و جهانگردی بود (ص ۷۹). در ماه‌های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی، پزشک‌پور که سمت نمایندگی مجلس را داشت، با ایراد سخنرانی‌های آتشین علیه دولت شریف امامی و ازهارای از سرکوب قیام مردم انتقاد می‌کرد. این کوشش‌ها برای همسو نشان دادن حزب با جریان مبارزات ملت بود و می‌توانست به آنان برای چیره شدن بر اوضاع و هدایت آن به سمت دلخواه خود کمک کند. اما تلاش‌های حزب پان ایرانیست در این زمینه، بی‌نتیجه بود. این حزب عملاً نتوانست کاری انجام دهد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فراموشی سپرده شد (صص ۸۱ و ۸۲). با نگاهی به عملکرد سیاسی - اجتماعی این حزب در تاریخ معاصر ایران باید گفت حزب پان ایرانیست، مقاطع متفاوتی را پشت سر گذاشت و سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفت. با این حال همواره بر اصولی هم‌چون ناسیونالیسم، ملیت و وطن‌پرستی تأکید داشت و با تکیه بر این اصول، به حیات خود ادامه می‌داد. اسناد موجود نشان می‌دهد که موقعیت حزب پان ایرانیست در طول سه دهه فعالیت، بستگی به وضعیت سایر احزاب داشته است؛ به طوری که زمانی محبوبیت جبهه‌ی ملی و قدرت حزب توده، فعالیت‌های حزب پان ایرانیست را تحت‌الشعاع قرار داده و زمانی ناتوانی حزب رستاخیز، فرصت بهترین را برای پان ایرانیست‌ها فراهم کرده است. در یک کلام باید گفت با بررسی کتاب «حزب پان ایرانیست به روایت اسناد» مشخص می‌شود که نویسنده با تکیه بر اسناد موجود کوشیده است فراز و فرود حزب پان ایرانیست را در طول سه دهه موجودیت نشان دهد و به نظر می‌رسد نویسنده برای نیل به این هدف با توجه به منابع و اسنادی که در اختیار داشته، موفق عمل کرده است.